



A Contextual Approach to Observing the Principle of Equality of Arms in the Judicial Procedure of ad Hoc Courts and the International Criminal Court

Mansoureh Forati¹, Abbas Tadayyon^{2*}, Mohammad Mehdi Saghian³

1. Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

3. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Central Campus, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 27-36

Corresponding Author's Info:

ORCID: 0009-0000-0712-5832

TELL: +989123005351

Email: ab.tadayyon@iaua.ac.ir

Article History:

Received: 10 Jan 2026

Revised: 02 Feb 2026

Accepted: 08 Mar 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Equality of Arms, Evidence, Disclosure, Prosecutor, International Criminal Court.

ABSTRACT

Equality of arms is one of the important issues in the trial process, which oversees the equal status between the accused and the prosecutor in criminal cases. Equality of arms and the prosecutor's benefit from a favorable position as the guardian of public order in society on the one hand, and the accused's benefit from a lawyer and being in an equal position are among the issues that can be raised in equality of arms. In this regard, the main purpose of the present research is to identify and examine the legal challenges arising from the position of the principle of equality of arms in the judicial procedure of the International Criminal Court. The question is, what is the judicial procedure of the International Criminal Court in the field of equality of arms? The results of the research showed that although the judicial practice and interpretations of the contextual approach to the principle of equality of arms in the jurisprudence of the International Criminal Court were the starting point for the establishment of international criminal courts, it seems that, contrary to the globally recognized interpretations, obstacles such as the lack of integrity of the laws, its incorrect interpretation, or the dependence of ad hoc courts on state cooperation, the principle of equality of arms is not properly implemented in judicial practice. Finally, the Statute of the International Criminal Court considers equality of arms only for the defense or the prosecution on behalf of the accused, and the jurisprudence of the Court also confirms this issue. The present research used a descriptive-analytical method to examine the legal texts contained in the Statute of the International Criminal Court and analyzed them in an inferential manner.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Forati, M; Tadayyon, A. & Saghian, M. M (2026). "A Contextual Approach to Observing the Principle of Equality of Arms in the Judicial Procedure of ad Hoc Courts and the International Criminal Court". *Journal of International Criminal Law*, 4(3): 27-36.



انجمن عالی فقہ برای تطبیق ایران

فصلنامه حقوق برای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق برای بین الملل

دوره چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۵

رویکرد زمینه‌ای در رعایت اصل تساوی سلاح‌ها در رویه قضایی دادگاه‌های موقت و دیوان کیفری بین‌المللی

منصوره فراتی^۱، عباس تدین^{۲*}، محمدمهدی ساقیان^۳

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، پردیس مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

تساوی سلاح‌ها از جمله موضوعات مهم در فرایند دادرسی است که ناظر بر وضعیت برابر میان متهم و دادستان در دعاوی کیفری است. تساوی در سلاح‌ها و بهره‌مندی دادستان از وضعیت مساعد در مقام حافظ نظم عمومی جامعه از یک‌سو و بهره بردن متهم از وکیل و قرار گرفتن در وضعیت برابر از جمله موارد قابل طرح در تساوی سلاح‌ها است. در همین راستا، هدف اصلی از طرح تحقیق حاضر، شناخت و بررسی چالش‌های حقوقی ناشی از جایگاه اصل تساوی سلاح‌ها در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی است. پرسش این است که رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه تساوی سلاح‌ها به چه نحوی است؟ نتایج تحقیق نشان داد اگرچه رویه قضایی و تفاسیر رویکرد زمینه‌ای در اصل تساوی سلاح‌ها در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی نقطه شروع تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بود، اما به نظر می‌رسد برخلاف تفاسیر شناخته‌شده جهانی، موانعی چون عدم یکپارچگی قوانین، تفسیر نادرست از آن یا وابستگی دادگاه‌های موقت به همکاری دولتی، اصل تساوی سلاح‌ها در رویه قضایی به‌درستی اجرا نمی‌گردد. در نهایت اینکه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، برابری سلاح‌ها را صرفاً برای دفاع یا دادستان از جانب متهم در نظر گرفته است و رویه قضایی دیوان نیز مؤید این موضوع می‌باشد. تحقیق حاضر از روش توصیفی-تحلیلی برای بررسی متون حقوقی مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بهره برده و به شیوه استنباطی تحلیل کرده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۶-۲۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۸۳۲-۷۱۲-۰۰۰۹-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۹۱۲۳۰۰۵۳۵۱

ایمیل: ab.tadayyon@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

تساوی سلاح‌ها، ادله، افشاگری، دادستان، دیوان کیفری بین‌الملل.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

هدف عدالت کیفری نه تنها حفاظت از جامعه از طریق مجازات مجرمان برای اعمال ناپسند است، بلکه به‌طور مساوی تضمین می‌کند که هیچ‌کس نباید بدون ضمانت یکسان برای دادرسی عادلانه و ارائه دلایل مجازات شود. اصل تساوی سلاح‌ها به‌عنوان یک اصل دادرسی عادلانه تضمین می‌کند که به متهمان، فرصت کافی برای دفاع از اتهام خود داده شود. این اصل مستلزم فرصت‌های برابر بین طرفین است و زیربنای برخی ضمانت‌های رویه‌ای است که در قلب حق دفاع قرار دارند. اکثر نظام‌های حقوقی دموکراتیک این اصل را تضمین می‌کنند. در یک محاکمه جنایی که ممکن است آزادی یا حتی زندگی متهم سلب شود، سطح بالایی از انصاف و رفتار برابر لازم است. در پرونده‌های جنایی که دولت در آن دخیل است و دادستان از منابع و مزایای گسترده برخوردار است، تنها اصل تساوی سلاح‌ها است که به متهم کمک می‌کند تا براءت خود را اثبات کند. این موضوع بیشتر در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی می‌تواند مطرح شود. اگر متهم متناسب با اصول دادرسی عادلانه محاکمه و به‌درستی مجازات شود ولی محاکمه باید با دادن فرصت مناسب برای ارائه مدارک باشد؛ دفاع از خود و دریافت اطلاعات کافی و معاضدت‌های حقوقی نمی‌تواند مبین عادلانه بودن دادرسی باشد (Wiaderek, 2000: 9).

لذا اصل تساوی سلاح‌ها از جمله اصولی می‌باشد که در تحصیل ادله باید مورد توجه قرار گیرد؛ این اصل چندان شناخته شده نیست ولی مفید می‌باشد. برابری سلاح‌ها به معنای برابری در امکانات طرفین دعوا است تا اینکه دفاع نیز مطابق با آن باید برابر باشد. چنانچه اصل تساوی سلاح‌ها نباشد، شرایط دعوا و دلایل ابرازی نیز برابر نخواهد بود و وضعیت غیرمساوی مغایر با دادرسی عادلانه خواهد بود (De Meester, 2015: 69). این اصل را که برگرفته از نظام حقوقی انگلوساکسون است، نخستین بار در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر به کار گرفته شده است (ساقیان، ۱۳۸۸: ۸۱) و امروزه اصل مزبور در سطح جهانی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته و از دید اسناد بین‌المللی، پذیرش این اصل متأثر از پذیرش الگوی

جهانی دادرسی منصفانه است که با گرایش به‌سوی نظام اتهامی، به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، شکل گرفته است. همچنین اصل برابری سلاح‌ها متأثر از دادرسی منصفانه و همچنین اسناد بین‌المللی نظیر ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی است (توسلی نائینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱). بدین ترتیب، در این مقاله قصد داریم مفهوم اصل تساوی سلاح‌ها در عرصه حقوق بین‌المللی کیفری، یعنی دیوان کیفری بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهیم و به این سؤال پاسخ دهیم که اصل تساوی سلاح‌ها در پرونده‌های قضایی دیوان کیفری بین‌المللی چه جایگاهی را داراست؟

پیرامون موضوع حاضر، برخی تحقیقات نیز انجام شده است؛ از جمله: ازوراکوا (۲۰۲۲) در پژوهشی هم‌سو این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا این دادگاه‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی موظف به تعیین بالاترین استانداردهای انصاف در رویه‌های دادرسی خود هستند یا خیر؟ وی در مقاله خود، بر ارائه‌ی یک مرور مختصر و یک تحلیل مقایسه‌ای کوتاه از استانداردهای انصاف در دادگاه‌ها و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی منتخب تمرکز دارد که عمدتاً با بررسی چارچوب حقوقی حقوق بشر بین‌المللی موجود و بررسی درک و تفسیر استانداردهای انصاف، با تأکید بر برابری، تأثیر متقابل بین چارچوب حقوق بشر بین‌المللی و چارچوب قانونی دادگاه‌ها و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را بررسی می‌کند.

جلاخ و دی‌بلا (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ی خود تفاوت بین تئوری و عمل را در توجیه برابری سلاح‌ها در حقوق کیفری بین‌المللی آشکار می‌سازند. به‌دنبال بحث کوتاهی در مورد پیوند بین برابری اسلحه و حق برخورداری از یک محاکمه‌ی عادلانه و علنی، نویسندگان استدلال می‌کنند که برابری سلاح چیزی بیش از یک حق محاکمه عادلانه ساده است. این یک حق نهادی گسترده است که تحت تأثیر عدم استقلال ساختاری دفاتر دفاعی در همه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به‌جز یک دادگاه است. این فصل از نابرابری آشکار در منابع تحقیقاتی

³- Jalloh and DiBella

¹- The Principle of Equality of Arms

²- European Court of Human Rights (ECHR)

کیفری نیازمند یک دادرسی عادلانه می‌باشد که مستلزم آیین دادرسی از پیش تعیین شده مبتنی بر سلسله شروط اساسی است. در این بین، یکپارچگی، مشروعیت و مقبولیت دادرسی کیفری بین‌المللی را می‌توان با رعایت ضمانت‌های حقوق بشر به‌عنوان قابل‌اعتمادترین معیار برای عدالت کیفری بین‌المللی منصفانه آزمایش کرد. انصاف عنصر اساسی هر نظام عدالت است و بدون آن نمی‌توان عدالت را اجرا کرد یا تصور کرد که اجرا شده است. باید تعادل صحیحی بین حقوق اساسی متهم و منافع اساسی جامعه بین‌المللی در تعقیب افرادی که متهم به نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه هستند حفظ شود (دادستان علیه برجانین و تالیچ، تصمیم، ۳ اکتبر ۲۰۰۳، بند ۶۲).

با این حال، اعمال و تفسیر استانداردهای حقوق بشر در دادرسی کیفری بین‌المللی توسط دادگاه‌های موقت و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، فاقد نهاد نظارتی معاهده یا سازوکار نظارتی است. از این‌رو، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ممکن است از یک‌سو استانداردهای حمایتی بالاتری نسبت به استانداردهای مندرج در چارچوب بین‌المللی حقوق بشر تضمین کنند، اما از سوی دیگر، به دلیل ماهیت پیچیده‌شان، ممکن است از رویه‌ی قضایی دادگاه‌های حقوق بشر خارج گردند. البته، نمونه‌های متعددی از عملکرد خوب وجود دارد که در آن دادگاه‌ها و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بالاترین استانداردهای انصاف را در رابطه با اجرای دادرسی به‌طور عام و حقوق متهم به‌طور خاص توسعه داده و اعمال کرده‌اند (Ozoráková, 2021: 44)؛ بنابراین، فقط حاکمیت قانون می‌تواند یک سیستم دادرسی عادلانه را امکان‌پذیر کند. در مورد حق دسترسی برابر و مؤثر به دادگاه، باید به ادله هر دو طرف رسیدگی شود. زیرا جلوگیری از نقض ضمانت‌های دادرسی عادلانه یکی از دغدغه‌های اصلی در اجرای عدالت بین‌المللی است. آیین دادرسی کیفری بین‌المللی باید رعایت حقوق فردی و رویه‌ای متهم و کیفیت رویه‌ی اقدامات انجام شده برای آماده‌سازی

بین دادستان و دفاع به‌عنوان یک مطالعه‌ی موردی برای حمایت از توجه ویژه به برخورداری اساسی از برابری سلاح‌ها در مراحل مهم تحقیقاتی چنین محاکمه‌هایی استفاده می‌کند. علاوه بر این، نویسندگان، نابرابری‌های ساختاری و منابع خارج از دادگاه را ارزیابی می‌کنند که بیشتر در مقابل متهمان قرار می‌گیرد. آن‌ها نشان می‌دهند که چگونه تطابق بیشتر تعقیب قضایی با وظیفه قانونی برای جمع‌آوری و افشای شواهد مجرمانه و تبرئه‌کننده در دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی می‌تواند به‌عنوان یک مکانیسم برای کمک به بهبود موقعیت اساسی دفاع و عادلانه بودن محاکمات جنایی بین‌المللی عمل کند.

با عنایت به تحقیقات انجام شده، برخی کاستی‌ها در ارتباط با حقوق استفاده از سلاح از جمله تساوی سلاح‌ها در قوانین و مقررات بین‌المللی و داخلی کشورها دیده می‌شود. ضمن اینکه خلأ قوانین و یا تفسیر به رأی از قوانین در مواقعی که از این ابزارها استفاده می‌شود، ملاحظه شده است. ضمن اینکه در برخی از کتب و مقالات، به دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و ادله‌ی اثبات دعوا اشاره‌ای صورت گرفته و البته باید بیان داشت که اکثر آن‌ها جدید نبوده و نیاز به به‌روزرسانی روش‌های دادرسی و ادله اثباتی دارد. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا با اتخاذ نوعی رویکرد زمینه‌ای، اصل تساوی سلاح‌ها در رویه‌ی قضایی دادگاه‌های موقت و دیوان کیفری بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گیرد که به‌طور مشخص ناظر بر وضعیت دادستان و متهم در یک فرایند دادرسی کیفری است.

۱- مبانی نظری؛ دادرسی عادلانه

امروزه با ورود مفاهیم حقوق بشری در بستر قوانین بین‌المللی، شاهد تغییرات عمده دیدگاه‌های ناشی از تفسیر حقوقی هستیم. با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و پیدایش مفاهیم حقوق و آزادی‌های اساسی انسان و با تشکیل دادگستری و سازمان‌های قضایی به شکل امروزی، رسیدگی به اختلافات و اتهامات

²- *Prosecutor v. Brđanin*, IT-99-36-T, Decision on the Defence "Objection to Intercept Evidence", 3 October 2003, para. 62.

^۱- این اصل در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است تا با ترافیکی کردن هرچه بیشتر رسیدگی در تحقیقات مقدماتی و فراهم آوردن شرایط یکسان برای طرفین، سیستم دادرسی را عادلانه سازند. میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۴ به اصول دادرسی عادلانه پرداخته است.

گرفته شده است. اصل برابری، نظام قضایی را به تأمین موقعیت برابر طرفین وادار می‌نماید، اما دو تفسیر متفاوت از برابری طرفین قابل طرح است؛ تفسیر اول متعلق به دادگاه اروپایی حقوق بشر است که در بردارنده این است که نباید متهم را در یک موقعیت نابرابر نسبت به دادستان قرار دارد. با این وجود، این موارد با برخی از موانع در خصوص برخی از جرائم مواجه است که ناخودآگاه، برابری کامل طرفین، یعنی توازن نسبی متهم، دادستان و بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی را با مشکل روبرو می‌سازد (توسلی نائینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱). بدین ترتیب در فرآیند دادرسی کیفری، مقام تعقیب از منظر وضعیت عمومی دعوا و به دلایلی از جمله ادعای نقض نظم عمومی توسط متهم، علیه وی اقامه دعوا می‌کند؛ بدیهی است، چنین مقامی دارای اقتدار خاصی است و متهم در برابر وی از چنین امکاناتی برخوردار نیست. به همین دلیل کنوانسیون‌ها و اسناد حقوق بشری درصدد حمایت از این رویه برآمدند.

برداشت دوم، برابری طرفین را وجه بنیادین ساختار توافقی دادرسی در نظر گرفته است که بر مفهوم محاکمه به‌عنوان نزاعی بین دو طرف تأکید دارد. بر مبنای این دیدگاه، برای طرفین دعوی، داشتن حقوق مساوی امری ضروری است که اگر چنین نباشد، طرفین دعوی در وضعیت برابری نخواهند بود. هم دادستان و هم متهم در یک فرایند دادرسی باید از حقوق و وضعیت برابری برخوردار باشند که در هر صورت، رفع نابرابری از اصول و معیارهای دادرسی عادلانه در نظر گرفته می‌شود. از این منظر، دادستان به‌عنوان یک طرف دعوی که توسط قانون و حتی ابزارهای قهری پشتیبانی می‌شود و در مقابل، متهم نیز برای دفاع از خود نیازمند وکیل است که باید به‌عنوان شروط یک دادرسی عادلانه مدنظر قرار گیرند. دادستان خود را مدعی نظم عمومی می‌داند و متهم نیز به‌واسطه وکیل، حق دارد تا از وضعیت خود دفاع کند و از این جهت برابری میان طرفین برقرار شود؛ بنابراین داشتن وکیل نقش مهمی در تحقق امکانات دفاعی مساوی و حفاظت از

پرونده و همچنین ارائه‌ی پرونده در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را تضمین کند. بر خلاف دادگاه‌های ملی که توسط نهادهای تخصصی نظارت می‌شوند؛ مانند دادگاه حقوق بشر اروپا،^۱ اروپا، در مورد انطباق کشورها با دادگاه حقوق بشر اروپا،^۲ کمیته حقوق بشر در مورد انطباق دولت‌ها با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،^۳ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق،^۴ دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی بدون نظارت عمل می‌کنند (Bužarovska, 2015: 29).

۱-۱- اصل تساوی سلاح‌ها

برابری از جمله معیارهای مهم در زمینه برقراری حقوق و آزادی‌های فردی است که در اسناد حقوق بشری به آن توجه شده است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴: ۶۰). به دلیل اهمیت همین اصل است که برابری از اصول حقوق عمومی در نظر گرفته شده و در ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن اشاره شده است: «هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقیده، سیاسی، یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه جهانی ذکر شده است بهره‌مند گردد.» اما به‌طور خاص باید گفت که اصل تساوی سلاح‌ها، مهم‌ترین ضمانت برای تحقق دادرسی عادلانه است و به برابری دادستان و متهم معطوف است و در مواردی نیز به امکانات مساوی میان بزه‌دیده و متهم نیز مربوط می‌شود (برزگرزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱). ذکر این نکته لازم است که به‌طور دقیق در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به‌صراحت از اصل برابری سلاح‌ها سخنی به میان نیامده است (اشرافی، ۱۳۹۸: ۲۵). آنچه در این باره مطرح می‌شود، ناظر بر استنباط از شرایطی است که در فرایند دادرسی باید رعایت شود، هرچند نخستین بار از این اصل در کمیسیون اروپایی حقوق یاد شده است.

اصل مذکور بدین معناست که اگر در فرایند دادرسی، دادستان حاضر اما متهم از حضور در آن منع شود، اصل برابری نادیده

^۴- International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

^۵- International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR)

^۶- International Criminal Court (ICC)

^۱- European Court of Human Rights (ECHR)

^۲- United Nations Human Rights Committee (HRC)

^۳- The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

حقوق متهم دارد که برای تأمین امنیت قضایی و وجود مبارزه برابر، اهمیت خاصی دارد (ساقیان، ۱۳۹۳: ۲۲). از این‌رو، هم وجود شرایط کافی و مناسب و هم بهره‌مندی طرفین دعوی و یا متهم و دادستان (مقام قضایی) از ابزارهای مرتبط با دفاع و رسیدگی از اهمیت خاصی برخوردار است که می‌تواند طیفی از نیازها و ابزارها از جمله داشتن وکیل یا حق دفاع و یا رسیدگی دقیق را شامل شود.

۱-۲- اصل تساوی سلاح‌ها در امور کیفری بین‌المللی

تساوی سلاح‌ها، بدین معناست که طرفین دعوی، از امکانات برابر در دفاع از خود داشته باشند. این برابری در دعاوی کیفری بسیار با اهمیت‌تر از دعاوی مدنی است، از این‌رو اصل ترافعی بودن محاکمات در دعاوی مدنی، اصل برابری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث خدشه وارد شدن به آن می‌گردد. بنابراین هرچند در دعاوی کیفری، تساوی میان متهم و دادستان بسیار مورد تأکید است، اما در این مسیر، مشکلاتی وجود دارد که باید سازوکارهایی در نظر گرفته شود تا از این نابرابری کاسته شده و به وضعیتی طبیعی و برابر تبدیل شود (هداوند و آقای طوق، ۱۳۸۸: ۸۳).

برداشت دیگری که از اصل تساوی سلاح‌ها به ذهن خطور می‌کند، برابری طرفین دعوا در فرایند قضایی است. عوامل مهمی نظیر اقدامات غیر قانونی، خروج دادگاه از بی‌طرفی، عدم استقلال، غیرعلنی بودن دادرسی و منع مداخله وکیل از جمله موانع تساوی سلاح‌ها هستند (فتحی و دادیار، ۱۳۹۲: ۱۲۵). به‌طور کلی، مفهوم اصل تساوی سلاح‌ها به‌معنای موقعیت مساوی از لحاظ دادرسی در طول محاکمه است که باید از طریق سازوکارهای تخصصی برآورده شود و طرفین در طرح دعاوی در موقعیت یکسانی قرار داشته باشند.

در قوانین و مقررات بین‌المللی، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، جزء ۳ از بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی به اصل یاد شده توجه نشان داده‌اند. از همین‌رو است که شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده لوبانکا برای توجیه تصمیم خود به پرونده

جاسپر مورد رسیدگی در دیوان اروپایی حقوق بشر اشاره می‌کند. همین موضوع باعث شده است که اشاره‌ای به مفهوم^۱ تساوی سلاح‌ها در رویه‌ی برخی از نهادهای نظارتی حقوق بشر در مقاله صورت نپذیرد. اساسنامه رم در شق "ب" بند هشتم ماده ۶۴ به قاضی دادگاه صلاحیت کامل در مورد مدل رویه‌ای که باید دنبال شود، می‌دهد، زیرا مقرر می‌دارد که در دادگاه، قاضی به‌عنوان رئیس دادگاه می‌تواند دستوراتی برای انجام دادرسی بدهد؛ از جمله اطمینان حاصل شود که آنها به شیوه‌ای منصفانه و بی‌طرفانه انجام می‌شوند. با توجه به هر دستور قضایی، طرفین می‌توانند مطابق با مفاد این اساسنامه مدارکی ارائه دهند. در صورتی که قاضی از تعیین ترتیب ارائه شواهد امتناع ورزد، ماده ۱۴۰ آیین دادرسی و ادله به طرفین اجازه می‌دهد تا به توافق خود در مورد سؤال برسند و در صورتی که نتوانند به توافق برسند، قاضی باید دستورالعملی را صادر کند. با این حال، صرف‌نظر از اینکه قاضی چه مدل رویه‌ای را انتخاب می‌کند، در هر مورد، هر یک از طرفین این حق را دارند که از شهودی که خود دعوت می‌کند، سؤال کند و از شهودی که طرف مقابل نیز می‌خواند پرسش کند. بنابراین اصل تساوی سلاح‌ها در معنای برابری قضایی نمود پیدا می‌کند (اشرافی، ۱۳۹۸: ۲۵).

در این باره، اساسنامه رم مبتنی بر تجربیات تک موردی را باید شامل اصل تساوی سلاح‌ها در ماده ۷۹ دانست. اساسنامه از نظر قواعد افشاگری در مواد "ج" (۳) ۹۶ و (۲) ۷۹ از برابری نام برده است و یک موفقیت بزرگ در فاز پیش از دادرسی حاصل شده است. ماده (۳) ۶۱ اساسنامه رم به همراه قاعده ۱۲۱ آیین دادرسی و ادله، یک مقام نفوذی را در رابطه با افشاگری اطلاعات در مرحله پیش از تأیید اتهامات برای شعبه پیش دادرسی منظور کرده‌اند؛ اما شعب پیش دادرسی دیوان کیفری از نظر چگونگی شناخت و درک مناسب این مقرره‌ها قدری نامصمم هستند. درحالی‌که قاضی واحد شعبه ۱ پیش از دادرسی با اتخاذ یک دیدگاه محدود گفته است این شعبه فقط باید از اطلاعاتی آگاه باشد که طرفین قصد دارند در استماع تأیید به آنها اتکا کنند و افشاگری برای شعبه اصولاً از طریق

^۱- 2006 pre - trial chamber - 19 may

اساسنامه رم مبتنی بر تجربیات تک موردی را باید بنابر ماده ۹۷ شامل اصل برابری سلاح‌ها دانست. شعبه پیش از دادرسی با صدور حکم مقتضی بر اساس ماده "ب" (۳) ۵۷ اساسنامه دیوان در جمع‌آوری ادله و مدارک به مظنون و وکیل مدافع کمک خواهد کرد؛ لذا حق برخورداری از زمان و امکانات کافی جهت تنظیم دفاعیه که در ماده (۱) ۹۷ اساسنامه رم تکریم شده اجرائی می‌شود. حتی اگر دفتر دفاع نهاد دیوان نباشد (اما دفتر دادستانی یک ارگان دیوان به شمار می‌رود)، بازهم شعبه‌ها باید از نظر تنظیم دفاعیه با او همکاری کنند. اساسنامه دیوان تا حد خاصی انتقادهای مطرح شده علیه دیوان‌های سازمان ملل را که قبلاً بحث شد، اصلاح کرده است و نقش فعال‌تری را در پیشبرد منافع دفاع به شعبه اختصاص داده است. مع‌هذا در حالت ایدئال زیاد به این اقتدار توسل نمی‌شود؛ چراکه تا جایی که دادستان وظایف خود به‌موجب ماده "الف" (۱) ۵۴ را به‌عنوان ارگان عینی دیوان ادا کند، یعنی وظیفه جمع‌آوری هر دو مدارک محکوم‌کننده و تبرئه‌کننده را به انجام برساند، اعمال چنین قدرتی ضروری به نظر می‌رسد (سافرلینگ، ۱۳۹۷: ۵۴۶-۵۴۷).

۲- رویکرد زمینه‌ای در اصل تساوی سلاح‌ها

با توجه به اینکه آیین دادرسی کیفری بین‌المللی از آغاز بر پایه تلفیق دو سنت اصلی دادرسی، یعنی نظام اتهامی کامن‌لا و نظام تفتیشی حقوق مدنی شکل گرفته است، ساختار رویه‌ای آن نیز محصول تعامل و سازگاری مستمر میان این دو سنت حقوقی به شمار می‌رود. در مراحل نخست تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، غلبه الگوی اتهامی بیش از هر چیز بازتاب گسترش تاریخی «قانون‌گرایی خصمانه» در بستر جهانی‌شدن حقوق بود؛ با این حال، تجربه عملی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نشان داد که بسیاری از نهادها و سازوکارهای برخاسته از سنت حقوق مدنی می‌توانند در افزایش کارآمدی، تضمین حقوق طرفین و کشف حقیقت نقش مؤثری ایفا کنند. از همین رو، دادگاه‌های موقت بین‌المللی به تدریج برخی از این سازوکارها را در آیین دادرسی خود پذیرفتند و بدین ترتیب، آیین دادرسی کیفری بین‌المللی به نظامی ترکیبی تبدیل شد که از آن با عنوان «تعارض یا همگرایی سنت‌های دادرسی» یاد می‌شود. در این چارچوب، معاهدات منطقه‌ای حقوق بشر و

سوابق که در قاعده (۱۰) ۱۲۱ دیوان پیش‌بینی شده، صورت گیرد. شعبه ۳ پیش از دادرسی معتقد است که استناد به تمام مدارک و شواهد در قاعده "ج" (۲) ۱۲۱ دیوان بدین مضمون است که اطلاع‌رسانی به شعبه شامل تمام شواهد و مدارک افشا شده در بین طرفین می‌باشد و فقط محدود به مدارکی نیست که طرفین در جلسه استماع ارائه می‌کنند. پس شعبه ۳ پیش از دادرسی حتی یک جنبه حقیقت‌یابی را در کنار جوانب مدیریت دادرسی و حفاظت از حقوق بشر به افشاگری پیش از استماع منسوب کرده است. به‌علاوه این شعبه درخواست کرد دادستان یک چارت تحلیل عمقی را در خصوص هر بخش از مدارک و شواهد ارائه‌شده به شعبه تهیه کند و مشخص کند آیا آن بخش از مدارک محکوم‌کننده هستند یا تبرئه‌کننده و همچنین یا ترکیبی از هر دو می‌باشد و از چه طریق با پرونده و اتهامات ارتباط می‌یابد؛ یعنی کدام عنصر جرم را به اثبات خواهد رساند. در همین اثنا شیوه‌ی درخواست چارت تحلیل عمقی در جلسات دادرسی به پرونده کاتانگا با استفاده از عبارت جدول مدارک محکوم‌کننده و در جلسات علیه بمباگومبو که در رابطه با قرار گرفتن این چارت در حیطه‌ی قاعده (۱) ۸۱ دیوان گفته شد، اتخاذ گردید. باید توجه نمود که تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس اساسنامه و قواعد دیوان به این سؤال پاسخی نداده‌اند که آیا شعبه دادرسی باید قبل از شروع دادرسی تمام مدارک و شواهد را ملاحظه کند، درحالی‌که قاعده (۱۰) ۱۲۱ دیوان، شخص را موظف کرده تا سوابق کامل دادرسی‌های اجرا شده در شعبه پیش از دادرسی را نگهداری کند اما این سابقه به موجب قاعده ۱۳۱ دیوان به شعبه‌ی دادرسی ارسال خواهد شد. مع‌هذا از خود شعبه در زمره کسانی که می‌توانند سوابق را مبنای رجوع قرار دهند نامی برده نشده است و مقرر دیگر هم وجود ندارد که نقش سوابق در دادرسی را روشن کند و این بخش دیگری از ابهام سازنده در رژیم شکلی دیوان می‌باشد (Brady, 2001: 269). شعب دادرسی کمابیش به شیوه عمل شعب پیش از دادرسی ادامه داده‌اند، لذا شعب دادرسی پرونده کاتانگا متذکر شد که به سابقه‌ی دادرسی‌های شعبه پیش از دادرسی دسترسی دارد و از دادستان درخواست کرد جدول مدارک محکوم‌کننده را بر اساس عناصر جرم یا جرائم، تهیه و تمام مدارک قید شده در جدول را به‌وسیله شخص به ثبت برساند.

رویه قضایی شکل گرفته بر اساس آن‌ها نیز به عنوان منابع تفسیری و مراجع اقناعی، نقش مهمی در تفسیر و اجرای قواعد آیین دادرسی و تضمین استانداردهای دادرسی منصفانه در دیوان کیفری بین‌المللی ایفا می‌کنند.

متأسفانه، دیوان یوگوسلاوی این اصل را به قضیه تبدیل کرده و از دیوانی که باید حقوق شناخته‌شده بین‌المللی متهم را رعایت و اجرا کند، به نهادی برای تفسیر زمینه حقوق بشر تبدیل شده است. این رویکرد می‌تواند برای دفاع طاقت‌فرسا بوده و روند دفاع را با سختی مواجه کند. از این‌رو، برابری رویه‌ای به معنای انکار ضمانت‌های اساسی در زیر پرده به اصطلاح «**رویکرد زمینه‌ای**» نیست. انصاف رویه‌ای بر فرصت‌های برابر متمرکز است نه بر صدور حکم. بدیهی است که قضات دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق، به اندازه کافی از ضرورت ایجاد توازن بین تمایل به کارایی در دادرسی و حمایت از حقوق بشر شناخته‌شده جهانی آگاه نیستند. بدین ترتیب، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق، به دلیل محدود کردن استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر به خاطر تأمین محکومیت مورد انتقاد قرار گرفته است (بوزارفسکا، ۲۰۱۵: ۲۹). فلذا، در این مورد بحث تساوی سلاح‌ها به عنوان یک اصل مهم لحاظ نشده و حمایت از حقوق بشر به معنایی که حقوق طرفین از حیث دسترسی به ابزارهای برابر لحاظ شود، در روند دادرسی عملی نشده بود.

۲-۱- اعمال اصل کاربرد سلاح در روند کیفری

اگر مفهوم برابری سلاح‌ها در قوانین موضوعه کیفری به‌طور جامع به کار رفته باشد، باز هم در آیین دادرسی کیفری جایی ندارد چراکه تاکنون به توسعه‌ی یک مفهوم ساختاری دقیق که انصاف دادرسی را افزایش دهد کمک نکرده است و دیده نشده که به مشکلات شکلی پیش روی دیوان‌های بین‌المللی ارزشی بیفزاید، اما به هر حال در امور کیفری نیز صرف‌نظر از تفاوت‌های فردی، نژادی، مذهبی و مالی و... اصل دسترسی یکسان و برابر یک حق شناخته شده است (فضائلی، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹).

۳۲۶؛ بنابراین خود اصل همچنان باید تحسین شود. نظر عمومی و بلامنازع این است که برابری اهرم‌ها رکن اصلی روند حقوقی شایسته است. مشخص نیست که برابری سلاح‌ها می‌تواند رکن اصلی انصاف در دادرسی باشد یا حتی بتواند باشد؛ زیرا انصاف، درج حق استماع، حق برخورداری از زمان و امکانات کافی جهت تنظیم دفاعیه و حق احضار و بازپرسی از شهود حقوق کلیدی برای یک دادرسی منصفانه است. ربط دادن این حقوق به اصل والاتر برابری سلاح‌ها، خطر محدود شدن واقعی این حقوق را به همراه دارد که در دیوان یوگوسلاوی به واسطه تفسیر کاملاً رسمی برابری مشاهده گردید. بنابراین همواره ضرورت دارد تا میان دادستان به عنوان نماینده دارای قدرت و متهم، وضعیت برابری وجود داشته باشد تا وی بتواند از خود در برابر اتهامات وارده دفاع نماید؛ زیرا بهره‌مندی دادستان از امکانات دولتی و نیروی متخصص در برابر متهم، از جمله موانع مهم عدم تحقق تساوی سلاح‌ها و رعایت آن است.

در این خصوص، لوبانگا دی لو (۲۰۰۷) در نظر گرفت که «ایجاد وضعیت برابری مطلق تساوی سلاح‌ها، غیرممکن خواهد بود» و بعداً افزود که «هر زمان که ادعای بی‌عدالتی شود، یک ارزیابی حساس به واقعیت لازم است.» با توجه به ماهیت دادرسی کیفری بین‌المللی، از جمله تفسیر حقوقی پیچیده و همچنین مسائل واقعی، گستردگی آن‌ها و اغلب، روابط نامتقارن طرفین با کشورهایی که تحقیقات در آن‌ها عمدتاً باید انجام شود، برقراری اصل تساوی سلاح‌ها بین دادستان و دفاع در واقع چالش‌برانگیز است. بنابراین، در تمام مراحل دادرسی، متهم باید حق کمک به وکیل حقوقی ذیصلاح را داشته باشد. در اصل، انتخاب وکیل مدافع در دادرسی عمدتاً بر عهده متهم است که با محدودیت‌های خاصی همراه است (Ozoráková, 2021: 49). بنابراین؛ با توجه به خلأ تفسیر موضوعی در روند رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی، اصل تساوی سلاح‌ها به دلایل زیر باید بیشتر مورد توجه واقع شود:

²- International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

³- Lubanga Dyilo

^۱ - توضیحات دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق، در مورد رویکرد زمینه‌ای به اصول حقوق بشر ناگزیر باید به عنوان تعبیری برای عدم به رسمیت شناختن اصول جهانی حقوق بشر و رویه قضایی درک شود.

بیشتر که بر عهده دادستان می‌باشد، حقوق متهم نیز قطعاً لگدمال خواهد شد و بدین ترتیب ممکن است متهم در موضع ضعف نتواند از خود دفاع نماید. سازوکارهای حمایتی در راستای تعدیل نابرابری امکانات میان مرجع تعقیب و متهم شامل عدالت در برابری دادگاه، دسترسی داشتن به تسلیحات دفاعی مناسب، داشتن وکیل در مراحل تحقیقات اولیه، بهره‌مندی از محاکمه علنی می‌باشند که باعث می‌شود تا ابزارهای کافی در اختیار متهم قرار گیرد تا در زمان مقتضی دلایل خود را مطرح نماید (یاری، ۱۳۹۳: ۴۱).

شعبه پیش از دادرسی با صدور حکم مقتضی بر اساس ماده "ب" (۵۷(۳) اساسنامه دیوان در جمع‌آوری ادله و مدارک به مظنون و وکیل مدافع کمک خواهد کرد؛ لذا حق برخورداری از زمان و امکانات کافی جهت تنظیم دفاعیه که در ماده (۱) ۷۹ اساسنامه رم تکریم شده، اجرائی می‌شود. حتی اگر دفتر دفاع نهاد دیوان نباشد اما دفتر دادستانی یک ارگان دیوان به‌شمار می‌رود و بازهم شعبه‌ها باید از نظر تنظیم دفاعیه با او همکاری کنند. اساسنامه دیوان تا حد خاصی انتقاد مطرح شده علیه دیوان‌های سازمان ملل را که قبلاً بحث شد، اصلاح کرده است و نقش فعال‌تری را در پیشبرد منافع دفاع به شعبه اختصاص داده است. مع‌هذا در حالت ایدئال، زیاد به این اقتدار توسل نمی‌شود چون تا جایی که دادستان وظایف خود به‌موجب ماده "الف" (۵۴(۱) را به‌عنوان ارگان عینی دیوان ادا کند، یعنی وظیفه جمع‌آوری هر دو مدارک محکوم‌کننده و تبرئه‌کننده را به انجام برساند، اعمال چنین قدرتی ضروری به نظر می‌رسد (سافرلینگ، ۱۳۹۷: ۵۴۶). با این حال، رژیم افشاگری در دیوان کیفری برخلاف دیوان‌های تک‌موردی، در قواعد دیوان درج شده؛ در نتیجه باید هر دو را مشترکاً به کار بست. قواعد دادرسی و ادله و مدارک دیوان باید هنجارهایی تصور شوند که به سهم خود به مضمون و محتوای مواد عمومی‌تر از اساسنامه دیوان شکل می‌دهند. اساسنامه رم در مناسبت‌های متعدد صریحاً به افشاگری اشاره کرده است. هرچند بیشتر جزئیات افشاگری به قواعد دادرسی و مدارک سپرده شده است، اما اساسنامه دیوان دقیقاً به سه جنبه افشاگری پرداخته که

الف) بر خلاف دادگاه‌های داخلی که توانایی کنترل موضوعاتی را داشتند که می‌توانست بر عادلانه بودن دادرسی تأثیر اساسی بگذارد، دیوان کاملاً وابسته به دادگاه است. همکاری دولت‌ها برای برگزاری محاکمه‌های خود، زیرا کشورهایی بودند که اغلب شواهد مرتبط با محاکمه را در اختیار داشتند و دولت‌ها می‌توانستند تلاش‌های وکیل را برای تأمین آن شواهد مختل کنند.

ب) اگر مساعدت دیوان بی‌اثر می‌شد، به این معنا که طرف علی‌رغم آن کمک، هنوز نتوانسته است شواهد مورد نظر را به دست آورد، این موضوع خارج از محدوده اصل تساوی سلاح‌ها به‌عنوان یک اصل برابری رویه‌ای است، اگرچه این عاملی بود که می‌توانست به عادلانه بودن محاکمه منجر شود (دادستان علیه تادیچ، حکم تجدیدنظر، ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹، پاراگراف ۴۸-۵۲). اعترافات مربوط به نابرابری‌های نهادی را می‌توان در تصمیم برخی دادگاه‌های موقت یافت؛ یعنی، اتاق محاکمه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در پرونده دادستان علیه کیشما و روزی دانا، (دستور درخواست وکیل مدافع در ۵ مه ۱۹۹۷ و رأی، ۲۱ مه ۱۹۹۹، بند ۶۰)، معتقد است که حقوق متهم و برابری بین طرفین نباید با برابری وسایل و منابع اشتباه گرفته شوند و حقوق متهم به‌هیچ‌وجه نباید به این معنا تفسیر شود که دفاع از همان ابزار و منابعی برخوردار است که در اختیار دادستان است.

۲-۲- نقش دادستان در کاربرد اصل تساوی سلاح

در دعوای کیفری نیز تعقیب متهم به عهده دادستان می‌باشد، لذا اصل تساوی سلاح رعایت نمی‌شود ولی از یک طرف این استدلال وجود دارد که چون حق قربانی ضایع شده است، دادستان با توسل به هر روشی درصدد التیام زخم جامعه می‌باشد و از طرف دیگر حقوق قربانی را صیانت می‌نماید. بنابراین، شرایط دادرسی باید به نحوی باشد که طرفین دعوی از فرصت، امکانات و ابزارهای برابری جهت ارائه دلایل و مستندات برخوردار باشند (بابایی و افراسیابی، ۱۳۸۹: ۴۴). اما موضوع دیگری هم وجود دارد و آن اینکه به خاطر این امکانات

²- the ICTR Trial Chamber in Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana

¹- Prosecutor v Tadic, Appeal Judgment

دربرگیرنده حقوق افشاگری شکلی شخص متهم، محدودیت‌های افشاگری به واسطه حفاظت از جان شهود و حفظ منافع امنیتی کشورها و اشخاص ثالث است. لذا ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را تکرار می‌کند، شامل تعدادی حقوقی خاص است که به متهم اعطا می‌شود و زمان و امکانات کافی برای آماده‌سازی مدارک را پیش‌بینی می‌کند تا بتواند از خود دفاع کند. بند ۳ ماده ۱۲۱ آیین دادرسی و ادله، شواهد و رویه نیز یک چارچوب زمانی لازم را قبل از انجام مراحل رویه‌ای خاص ارائه می‌کند. مواد ۷۹ و ۹۸ دیوان از حقوق متهم در زمینه محرمانه بودن مکاتبات با وکیل و نمایندگان کنسولی او حمایت می‌کند. برای راستی‌آزمایی صحت ادله‌ای اقامه شده علیه خود، از شهودی که علیه او دلیل می‌آورند، بررسی به عمل می‌آورد که شامل شهودی است که دادگاه احضار کرده است.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داده است که اگرچه رویه قضایی و تفاسیر در مورد اصل تساوی سلاح نقطه شروع تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بود، اما تفسیری وجود دارد که برخلاف تفاسیر شناخته شده جهانی، از برابری سلاح‌ها بیشتر حمایت می‌کند. همکاری دولت با دادگاه‌ها را نمی‌توان بر اساس عدالت رویه‌ای مورد استناد قرار داد، بلکه فقط بر اساس مشکلاتی که طرف در طول آماده‌سازی پرونده با آن مواجه شده است (دسترسی به اسناد، پرونده‌ها، شواهد، شهود، بررسی صحنه جرم و غیره) بایستی مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، باید گفت که به‌طور اجتناب‌ناپذیری منابع و دلایل بر اصول دادرسی عادلانه و برابری سلاح‌ها تأثیر می‌گذارد. در جریان رسیدگی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، تساوی سلاح با غلبه بر ضرر یکی از طرفین در برابر مخالف خود و با ارائه شیوه‌های برابر در ارائه مدارک رعایت و تحقق خواهد یافت. تحمیل نوعی پیامدهای رویه‌ای به نام برابری سلاح به دلیل تفاوت بین دادستان و دفاع، قابل قبول و موجه است که وکلای مدافع را به شکایت از نابرابری طرفین سوق می‌دهد. معایب و نقص مدارک بین طرفین در خصوص فقدان وضعیت نهادی، پرسنل و بودجه اجتناب‌ناپذیر است، زیرا دادسرا به عنوان یک نهاد مستقل دارای منابع، پرسنل و بودجه عظیم است و از آزادی و

توانایی بسیار بیشتری در شناسایی و دسترسی به مطالب مرتبط نسبت به متهم برخوردار است و رژیم افشاگری تحمیل شده بر دادستان در اساسنامه رم نتوانسته است تعادل بین طرفین را برقرار کند و در نتیجه دفاع از نابرابری تسلیحات در ارائه پرونده دفاعی رنج می‌برد. تیم دفاع از متهمان بی‌بضاعت برای تأمین وجوه به سردفتر وابسته است و اتهامات دفاعی به سردفتر مبنی بر عدم تصمیم‌گیری صحیح در مورد دامنه پرونده، مسائل حقوقی گسترده و پیچیده‌ای است که بر ماهیت دفاع اثر می‌گذارد.

از آنجایی که ممکن است دفاع فاقد امکانات کافی برای آماده‌سازی پرونده باشد، این اختلاف بین طرفین به اعتبار سیستم عدالت کیفری بین‌المللی لطمه می‌زند. علاوه بر این، تیم‌های دفاعی نسبت به تیم‌های دادستانی از اعضای کمتری تشکیل شده‌اند و منابع و امکانات کمتری برای تهیه و ارائه پرونده‌های خود در اختیار دارند. در اکثر موارد در دادگاه، یک متهم، اگر نه در حین آماده‌سازی محاکمه، به ناچار در دادگاه تجدیدنظر استدلال می‌کند که از برابری سلاح‌ها با دادستان محروم شده است و محاکمه علیه او یک محاکمه ناعادلانه بوده است. عواملی که متهم در تأیید این ادعا به آنها می‌تواند اشاره کند، به تفاوت بین منابع اعطا شده به دادستان به دلیل ساختار نهادی آن به عنوان ارگان دیوان مربوط است. در بیشتر موارد، شکایات متهم این می‌باشد که از دستیابی به شواهدی که باید در اختیار او قرار می‌گرفت، ممانعت به عمل می‌آید و یا اینکه مدارکی که باید توسط دادسرا بر اساس تعهدات افشای خود به او فاش می‌شد، افشا نشده است.

قضات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای نحوه رسیدگی را کنترل می‌کنند. برای اطمینان از اینکه محاکمات برای همیشه دوام نمی‌آورند، قضات ممکن است تعداد شاهدانی را که مدافع می‌تواند احضار کند، محدود نمایند. گاهی اوقات، ناتوانی دادگاه در تضمین حضور شهود مهم ممکن است عاملی باشد که باید در تعیین عادلانه بودن کل دادرسی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. محدودیت‌ها ممکن است موجب نقض اصل تساوی سلاح‌ها شود؛ اگر قضات در مورد تعداد شهود یا مدت زمان آماده‌سازی پرونده‌ها،

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اشرافی، ارسلان (۱۳۹۸). «اصل تساوی سلاح‌ها در حقوق ایران با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲». فصلنامه تخصصی حقوق فارس، ۲(۱): ۲۱-۴۴.

- بابایی، محمدعلی و افراسیابی، علی (۱۳۸۹). «حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳(۷): ۳۹-۶۰.

- برزگرزاده، عبدالحسین؛ امینی‌نیا، عاطفه و شکرچی‌زاده، محسن (۱۳۹۵). «حقوق اصحاب دعوی در دیوان کیفری بین‌المللی و اسلام». فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۹(۴): ۴۱-۱۱.

- توسلی نائینی، منوچهر، خسروشاهی، قدرت‌الله، نصراللهی، زهره (۱۳۹۵). اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، نشریه حقوقی دادگستری، ۸۰(۹۴): ۷۱-۹۴.

- سافرلینگ، کریستوف (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری بین‌المللی. ترجمه قباد کاظمی، تهران: میزان.

- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۳). «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». پژوهش حقوق کیفری، ۲(۶): ۱۱۳-۱۳۶.

- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۸۵). «اصل برابری سلاح‌ها در فرآیند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)». مجله حقوقی دادگستری، ۷۰(۵۶ و ۵۷): ۷۹-۱۱۰.

- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۴). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- فتحی، محمدجواد و دادیار، هادی (۱۳۹۲). «جایگاه دادستان در سیاست جنائی نوین و الزامات دادرسی عادلانه». مجله فقه و حقوق اسلامی، ۴(۷): ۱۲۳-۱۴۸.

محدودیت‌های سخت‌تری نسبت به دادستان برای دفاع اعمال کنند. در این صورت موارد زیر قابل بیان است:
- اگر محاکمه عادلانه برگزار نشود، محاکمه باید خاتمه پیدا کند.

- کنار گذاشتن تفسیر آزادتر از برابری سلاح، به‌طوری که دامنه آن فقط با موقعیت متهم مرتبط است نه به طرفین.
- از متهم در خصوص اختیارات دادستان برای تصمیم‌گیری در مورد افشای مطالب تبرئه‌کننده‌ای که به‌صورت محرمانه به دست آمده است، باید بیشتر صیانت کرد.

در نهایت باید گفت که یکپارچگی و مقبولیت فرآیند عدالت کیفری بین‌المللی به ایجاد تعادل عادلانه بین حقوق رقابتی افراد مظنون به نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر و حقوق دادستان در تحقیق و تعقیب مظنونان به ارتکاب چنین تخلفاتی به نمایندگی از قربانیان و جامعه بین‌المللی بستگی دارد. این شرط تعادل عادلانه، رعایت موارد اساسی حقوق بشر در محاکمه کیفری را که در رویه‌ی کیفری قوانین داخلی و در رویه‌ی قضایی بین‌المللی به قیمت هر هدف، رقیب دیگری یافت می‌شود، الزام می‌کند. بنابراین الزامات اصل برابری سلاح‌ها باید در محاکمات به عنوان یک رویکرد بنیادین رعایت شود. در نتیجه، برابری تسلیحات یک حق اساسی در محاکمه جنایی است و نه یک ایدئال انکارناپذیر که بتوان با گام‌های افزایشی دقیق به آن پرداخت.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش از جمله امانتداری و ارجاع به منابع رعایت شده است.

تعارض منافع: بنابر اظهارات نویسندگان، در مقاله حاضر تعارض منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله حاضر به صورت برابر و توسط همه نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه استادان گرامی که در فرایند انجام پژوهش با پژوهشگران همکاری داشته‌اند و یا به عبارتی یاری‌رسان آن‌ها بوده‌اند، تشکر و قدردانی به عمل آید.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی انجام شده است.

Human Rights and its Functions in Criminal Justice of Selected European Countries: A Comparative View. Leuven University Press.

- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه در محاکمات بین‌المللی*. تهران: انتشارات شهر دانش.

- هداوند، مهدی و آقای طوق، مسلم (۱۳۸۸). *دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آئین‌های دادرسی منصفانه (حقوق ایران و مطالعه تطبیقی)*. تهران: انتشارات خرسندی.

- یاری، معصومه (۱۳۹۳). *اصل تساوی سلاح‌ها با تأکید به دیوان کیفری بین‌المللی*. به راهنمایی مهدی شیدائیان ارانی، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

ب. منابع انگلیسی

- Brady, H (2001). *Setting the Record Straight: A Short Note on Disclosure and "the Record of the Proceedings"*. In: H. Fischer, C. Kreß & S. Lüder (Eds.), *International and National Prosecution of Crimes Under International Law: Current Developments*, Berlin Verlag.

- Bužarovska, B (2015). "Interpretation of "Equality of Arms" In Jurisprudence of AD Hoc Tribunals and ICC", *SEEU REVIEW*, 11(1), 8-18. [Magna Carta 800th Special Edition].

- De Meester, K (2015). *The Investigation Phase in International Criminal Procedure: In Search of Common Rules*. (Vol 1). Amsterdam Center for International Law: Intersentia.

- Jalloh, C. C & DiBella, A (2013). *Equality of Arms in International Criminal Law: Continuing Challenges*. Ashgate Publishing.

-International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia. (2003, October 3). *Prosecutor v. Radoslav Brđanin, Case No. IT-99-36-T: Decision on the Defence "Objection to Intercept Evidence"*. <https://www.icty.org/x/cases/brdanin/tdec/en/031003.htm>

- Ozoráková, O (2021). "The right to a fair trial at international criminal courts and tribunals – Are the standards of international criminal proceedings fair enough?". *Pécs Journal of International and European Law*, 2021/II: 7-24.

- Wiaderek, W. M (2000). *The Principle of "Equality of Arms" in Criminal Procedure Under Article 6 of the European Convention on*